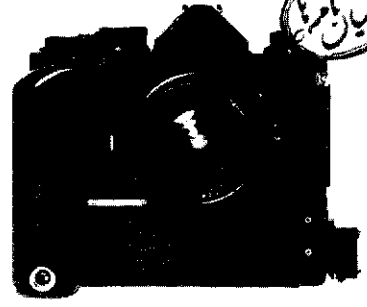


از زبان نامرئوس



بارواج یافتن دوربین‌های دیجیتال ارزان قیمت و هم‌زمانی آن با گسترش اینترنت، عکاسی (در معنای عام آن) کم‌کم وارد عرصه‌های جدیدی می‌شود. مشاهده‌ی فتووبلاگ‌های بسیاری که روز به روز هم بیشتر می‌شوند و نیز سایت‌های رایگانی که به همه امکان می‌دهند، عکس‌های دیجیتالی خود را چند لحظه بعد از گرفتن، روی شبکه‌ی اینترنت قرار دهند، ما را دست‌خوش احساسات متضادی می‌کند.

از این بابست، هم می‌توان خوش حال بود و هم نگران. خوش حال از این بابت که پدیده‌ی اینترنت و دیجیتال باعث شود، علاقه‌مندان که تازه عکاسی را آغاز کرده‌اند، کم‌کم آن را جدی‌تر بگیرند. نگرانی هم از این بابت که فرهنگ و سواد بصری عامه با عکس‌های فوری اینترنتی صدمه ببیند و فکر کنند، واقعاً عکاسی در همین عکس‌ها خلاصه می‌شود.

وقتی ذائقه به عکس‌های آسان و راحت الحلقوم عادت کرد، آن‌گاه سخت می‌شود آن را تغییر داد. منظور از عکس‌های آسان، آسان‌تر شدن عکاسی نیست، بلکه منظور

عکس‌هایی هستند که تفکری پشت سر ندارند. می‌گویند: هر کتابی ارزش یک بار خواندن را دارد. آیا هر عکسی به یک بار دیدنش می‌ارزد؟ ما هم کتاب بد داریم و هم عکس بد. اگر کتاب‌های پر فروش بازار، کسی را به سوی کتاب‌های برتر سوق بدهد، خوب است، اما اگر بازار مملو از چنین کتاب‌هایی شود و مجال چندانی برای نفس کشیدن به انواع دیگر ندهد، جای نگرانی دارد.

نگاه جدی به عکس و عکاسی، نگاه به آن به عنوان یک هنر است. فرقی نمی‌کند که با دیجیتال کار شود یا غیر آن. فرق نمی‌کند که عکس مستند اجتماعی باشد یا خبری، پرتزه یا تبلیغاتی و صنعتی، و یا هر شاخه‌ی دیگر. هنر عکاسی در تمام این شاخه‌ها می‌تواند معنا پیدا کند. آن‌جا که خلاقیت به کار رود، هنر هم پدیدار می‌شود؛ ضمن آن‌که به هیچ وجه منکر ضرورت وجود عکس‌های غیرخلاقانه که کاربردهای خاص خود را دارند، نیستیم.

یک عکاس حرفه‌ای می‌گوید: «من معتقدم، عکاس یا باید بلد باشد مخاطب را شگفت‌زده کند و یا اصلاً نباید عکاسی کند.»

ذات ما انسان‌ها همیشه به دنبال خوبی و زیبایی است و همیشه در پی انجام کار یا ثبت اثر هنری در بهترین شکل و با عالی‌ترین کیفیت هستیم. این موضوع در مورد عکاسی هم مصداق دارد. اگر می‌خواهیم عکس خوب بگیریم لازم است تکنیک‌ها و فنون گوناگون عکاسی را بیاموزیم. کتاب‌های آموزش عکاسی متعددی در این زمینه وجود دارند و پر هستند از

روش‌های ساده‌ای که رموز عکاسی خوب را در خود دارند.

در همه‌ی این کتاب‌ها می‌خوانیم، ویژگی‌های عکس خوب در رعایت ملاک‌های کادربندی، زاویه، ترکیب‌بندی، نور و رنگ، و محتواست. ولی چه چیزی باعث می‌شود که صدها عکس خوب شده با هم متفاوت باشند؟ شاید یکی از این عوامل، اعتقادات و نوع نگاه و جهان‌بینی عکاسان باشد.

آمی ویتال، عکاسی هندی است که تا امروز برنده‌ی جوایز عکاسی فراوانی در دنیا شده است. می‌گوید: «هیچ وقت به این فکر نمی‌کنم، عکسی که می‌گیرم خوب می‌شود یا نه! فقط همان لحظاتی را ثبت می‌کنم که روحم را به درد آورده‌اند. می‌خواهم همه‌ی مردم دنیا ببینند، در جنگ و خون‌ریزی و حتی دوستی آدم‌ها، چه مسائلی وجود دارند.»

او مدعی است، «دلی» عکس می‌گیرد و این حس را هم بعد از سال‌ها سفر و تجربه به دست آورده است. می‌گوید: «دوست ندارم چیز ناخالصی در عکس‌هایم باشد. حتی دلم نمی‌خواهد واقعه‌ای را بازسازی کنم و بعد عکس بگیرم؛ چون دیگر صدقاتی در آن وجود نخواهد داشت.»

بیشتر عکاسان موفق دنیا به صداقت، عشق و اخلاق کاری اشاره می‌کنند. برای اکثر آن‌ها، حس انسانیت بیش از ترکیب‌بندی اهمیت دارد. این در حالی است که اغلب ما همواره به دنبال تکنیک هستیم و هنگام فشردن دکمه‌ی «شاتر»، به مسائل جانبی بیش از موارد مورد نظر عکاسان موفق فکر می‌کنیم.

شکوفه نظیری / تهران

